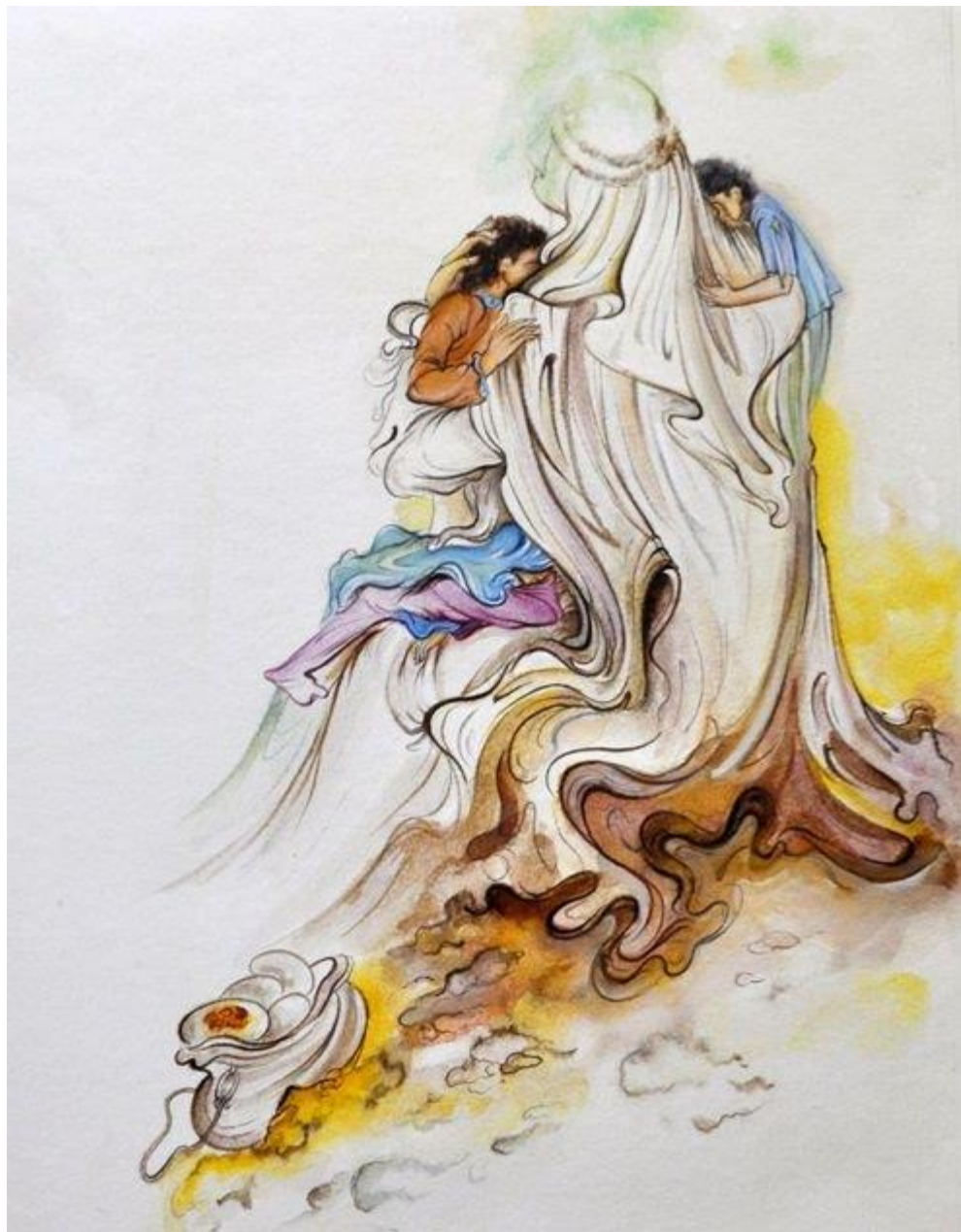


فارسی چهارم همای رحمت

دبستان دخترانه علوی

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲





همای رحمت

بخوان و حفظ کن

که به ماسوا کفندی همه سایه‌ی هما را
 به علی شناختم من به خدا قسم، خدا را
 که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را
 چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
 که عَلم کند به عالم، شهدای کربلا را

علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را
 دل اگر خداشناسی، همه در رخ علی بین
 برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
 به جز از علی که گوید به پسر، که قاتل من
 به جز از علی که آمد، پسری ابوالجانب

محمدحسین نهجّت تبریزی (شهریار)



علی ای همای رحمت ، تو چه آیتی خدا را
که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را

ای علی، ای نشانه لطف و رحمت، تو چه نشانه ای از خداوند
هستی که سایه خوشبختی را بر سر همه ی موجودات افکندی.





دل اگر خدا شناسی، همه در رخ علی بین
به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را

ای دل (انسان) اگر می خواهی خدا را بشناسی به زندگی حضرت
علی (ع) توجه کن. به خدا قسم می خورم من خدا را به واسطه ی
حضرت علی (ع) شناختم.





برو ای گدای مسکین، درخانه ی علی زن
که نگین پادشاهی، دهد از کرم، گدا را

ای گدای تهیدست، به خانه ی علی (ع) برو و از او کمک بخواه که
او چنان بخشنده ای است که انگشتی خود را از روی بخشندگی به
گدا می بخشد.





به جز از علی که گوید به پسر ، که قاتل من
چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا

به غیر از علی (ع)، هیچ کس را نمی توان یافت که به پسرش بگوید:
وقتی قاتل من در دست تو اسیر است با او خوش رفتاری کن.





به جز از علی که آرد، پسری ابوالعجائب
که علم کند به عالم، شهدای کربلا را

به غیر از علی (ع) کسی نمی تواند پسری شگفتی ساز تربیت کند که
شهیدان کربلا را در جهان، سربلند و مشهور بکند.



واژگان جدید

هُما : پرنده ای افسانه ای که اگر سایه اش بر سر کسی بیفتد، آن شخص سعادتمند می شود.

آیت : نشانه، علامت، دلیل

ماسِوا : موجودات، مخلوقات، غیر از خدا

رُخ : صورت، چهره، گونه

قَسَم : سوگند

مسکین : فقیر، تهی دست

نلین : سنگ قیمتی که روی انگشتر می گذارند.

ابوالعجایب : پدر شگفتی ها، صاحب شگفتی ها

عَلَمٌ كُنْدٌ : معرفی کننده، برپا کننده، مشهور سازد.

فارسی چهارم
درس دهم: باغچه‌ی اطفال
دانش زبانی

دبستان دخترانه علوی

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲

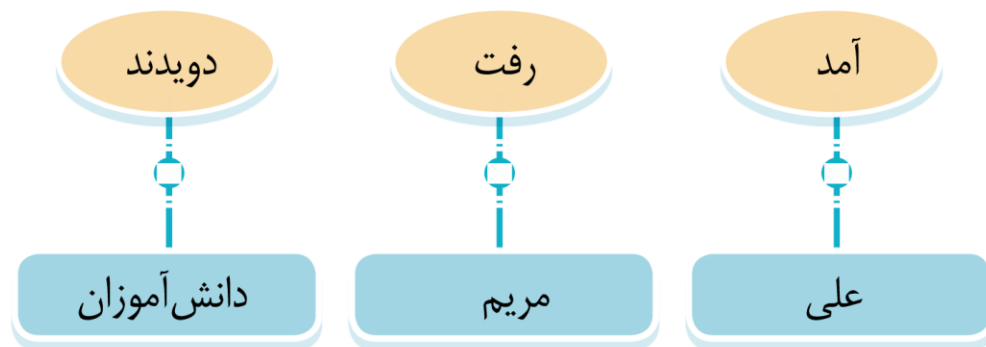




جمله‌های زیر را بخوانید.

- علی آمد.
- مریم رفت.
- دانش‌آموزان دویدند.

حالا به نمودار جمله‌ها نگاه کنید. درباره‌ی آنها گفت‌وگو کنید؛ سپس به پرسش‌ها پاسخ دهید.



این جمله‌ها از چند قسمت تشکیل شده‌اند؟

چرا کلمه‌های «آمد، رفت، دویدند» بالای نمودار هستند؟

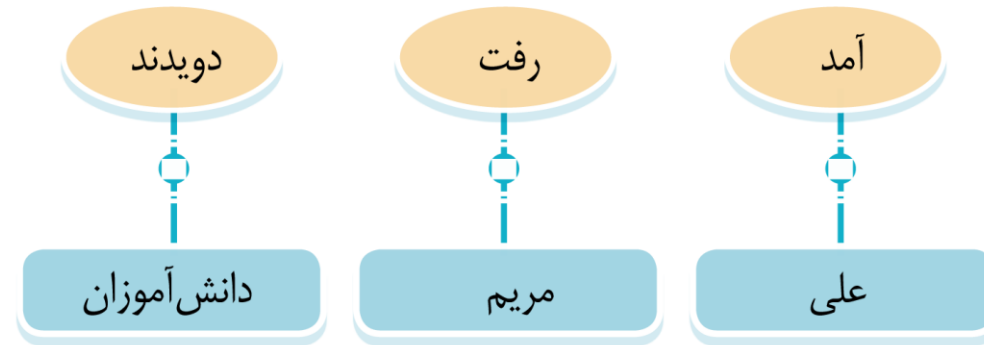
کلمه‌هایی که در بالای نمودار آمده‌اند، اصلی‌ترین بخش جمله هستند و کلمه‌هایی که در پایین نمودار آمده‌اند، برای کامل کردن معنای جمله می‌آیند.



جمله‌های زیر را بخوانید.

- علی آمد.
- مریم رفت.
- دانش‌آموزان دویدند.

حالا به نمودار جمله‌ها نگاه کنید. درباره‌ی آنها گفت‌وگو کنید؛ سپس به پرسش‌ها پاسخ دهید.



این جمله‌ها از چند قسمت تشکیل شده‌اند؟ **دو قسمت**

چرا کلمه‌های «آمد، رفت، دویدند» بالای نمودار هستند؟ **زیرا اصلی‌ترین قسمت جمله (فعل) است.**

کلمه‌هایی که در بالای نمودار آمده‌اند، اصلی‌ترین بخش جمله هستند و کلمه‌هایی که در پایین نمودار آمده‌اند، برای کامل کردن معنای جمله می‌آیند.

در جمله ی «مریم نامه را نوشت.» نقش اول جمله کیست؟

چه کاری انجام می دهد؟



نهاد

در جمله ی «مریم نامه را نوشت.» نقش اول جمله مریم است.

به مریم در این جمله **نهاد** گفته می شود.

نهاد شخصی یا چیزی است که کاری را انجام می دهد
یا فعل در مورد آن توضیح می دهد.

راه تشخیص نهاد در جمله

نهاد، پاسخ به سوال «چه کسی یا چه چیزی + فعل» است.

مثلاً «چه کسی نوشت؟»

مریم نوشت. پس مریم نهاد است.

فعل

در جمله ی «مریم نامه را نوشت.» نوشت **فعل** جمله است.

فعل مهم ترین قسمت جمله است.

ما جمله های یک قسمتی هم داریم که فقط از فعل تشکیل شده است.

مفعول

در جمله ی «مریم نامه را نوشت.» نامه، **مفعول** است.


مفعول قسمتی از جمله است که کاری روی آن انجام می شود.



راه تشخیص مفعول در جمله

مفعول در بیشتر مواقع پاسخ به سوال «چه کسی را؟» و «چه چیزی را؟» است.

چه چیزی را نوشت؟ نامه را . پس نامه، مفعول است.



در جمله های زیر، نهاد، مفعول و فعل را مشخص کنید.

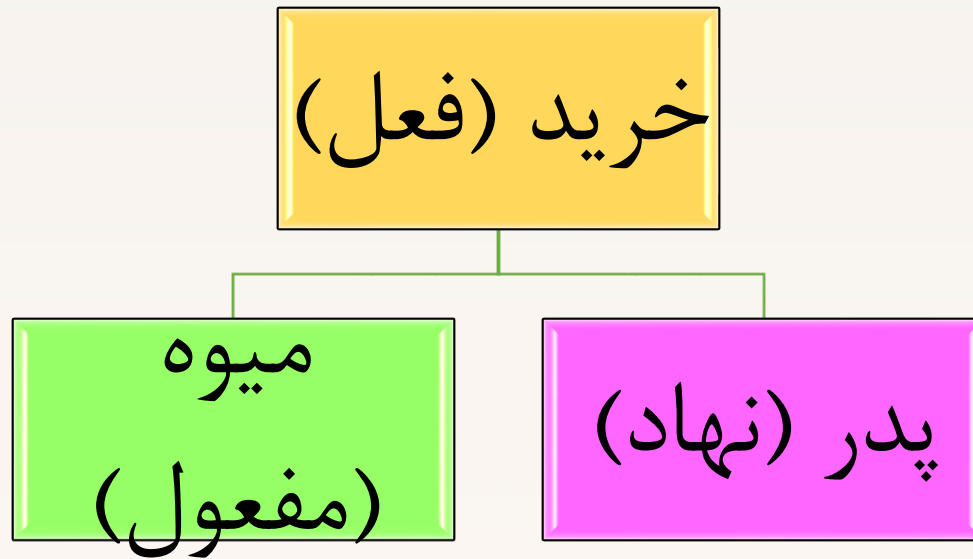


پدر میوه خرید.

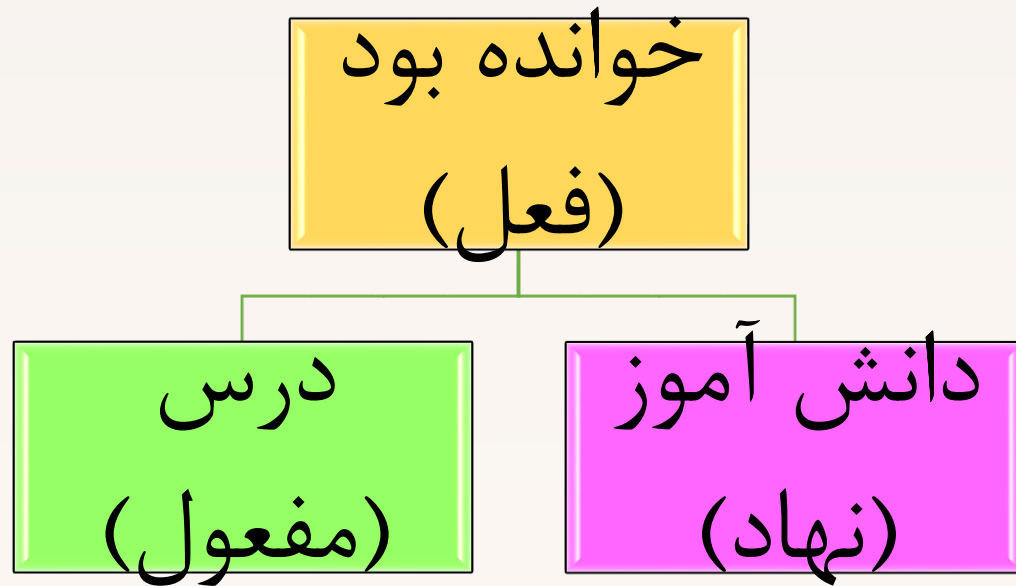
دانش آموز درس خوانده بود.

سارا خندید.

پدر میوه خرید.



دانش آموز درس خوانده بود.



سارا خندید.

خندید

(فعل)

سارا (نهاد)